

قدیم بہ جاٹرا مالکا



ایدہی کارگردان راہے بہ سوی کارگردانے عالی

کن دنسیگر
مترجم: نفیسه سادات

فهرست

- ۱۹ مقدمه مترجم
۲۱ سپاس و قدردانی

بخش اول

- ۲۳ آن چه کارگردان انجام می دهد

فصل اول

- ۲۵ معرفی
۲۷ کارگردان چه می کند؟
۲۸ کارگردان کیست؟
۲۹ چگونه به این جا رسیدیم؟
۳۲ امروزه کجا قرار داریم؟
۳۶ ساختار کتاب
۳۷ چگونه تصمیم به نوشتن این کتاب گرفتم

فصل دهم

۲۱۵	جان فورد: شعر و قهرمانی‌گری
۲۱۶	معرفی
۲۱۹	خوشه‌های خشم (۱۹۴۰)
۲۱۹	کلماتین عزیزم (۱۹۴۶)
۲۲۰	آن‌ها بی‌مصرف بودند (۱۹۴۵)
۲۲۰	جویندگان (۱۹۵۶)
۲۲۱	تفسیر متن
۲۲۵	هدایت بازیگران
۲۲۷	هدایت دوربین

فصل یازدهم

۲۳۳	جورج استیونز: شخصیت آمریکایی - هوس و وجدان
۲۳۴	معرفی
۲۳۶	آلیس آدامز ۱۹۳۵
۲۳۶	گونگا دین ۱۹۳۹
۲۳۷	بیشتر، خوشایندتر ۱۹۴۳
۲۳۸	جایی در خورشید ۱۹۵۱
۲۳۹	غول (۱۹۵۶)
۲۳۹	تفسیر متن
۲۴۲	هدایت بازیگران
۲۴۴	هدایت دوربین

فصل دوازدهم

۲۵۳	بیلی وایلدر: هستی در معرض خطر
۲۵۴	معرفی

۱۶۹	رهنمودهای احساسی
۱۷۰	لحن
۱۷۰	شخصیت اصلی
۱۷۱	کشمکش
۱۷۱	قالب داستان

فصل هشتم

۱۷۳	بازیگر
۱۷۳	انتخاب بازیگر
۱۷۵	پیچ شخصیت
۱۷۹	صحبت‌هایی بی‌پرده در مورد بازیگران در مقام کارگردان
۱۸۱	فلسفه‌های بازیگری
۱۸۳	بیرون به درون
۱۸۵	درون به بیرون
۱۸۶	مدرسه‌ی آمریکایی
۱۸۶	مدرسه‌ی اروپایی
۱۸۷	

بخش دوم

۱۹۷	موردشناسی کارگردانی
-----	---------------------

فصل نهم

۱۹۹	سرگئی آیزنشتاین: دیالکتیک تاریخی
۲۰۰	معرفی
۲۰۱	تفسیر متن
۲۰۱	هدایت بازیگر
۲۰۴	هدایت دوربین
۲۰۷	کارگردانی برای تدوین
۲۱۰	

۳۹۸	تفسیر متن
۴۰۲	هدایت بازیگر
۴۰۳	هدایت دوربین

فصل بیستم

۴۰۷	مری هارون: شهرت و ابتذال
۴۰۸	معرفی
۴۱۵	من به اندی وار هول شلیک کردم (۱۹۹۵)
۴۱۸	روانی امریکایی (۲۰۰۰)
۴۲۲	تفسیر متن
۴۲۴	هدایت بازیگر
۴۲۶	هدایت دوربین

فصل بیست و یکم

۴۲۹	نتیجه‌گیری
-----	------------

فصل بیست و دوم

۴۴۷	ضمیمه: یافتن ایده کارگردان
۴۴۸	استراتژی مطالعه‌ی متن
۴۵۱	حرکت به سمت تفسیر
۴۵۴	انتخاب ایده‌ی کارگردان

۳۵۰	معرفی
۳۵۰	۲۰۰۱: ادیسه‌ی فضایی (۱۹۶۸)
۳۵۴	بری لیندون (۱۹۷۵)
۳۵۵	غلاف تمام فلزی (۱۹۸۷)
۳۵۶	چشمان کاملاً بسته (۲۰۰۰)
۳۵۷	تفسیر متن
۳۵۸	هدایت بازیگر
۳۶۳	هدایت دوربین
۳۶۵	

فصل هجدهم

۳۶۹	استیون اسپیلبرگ: کودکی ابدی
۳۶۹	معرفی
۳۷۰	آرواره‌ها (۱۹۷۵)
۳۷۳	مهاجمان صندوقچه‌ی گمشده (۱۹۸۱)
۳۷۴	ای.تی (۱۹۸۲)
۳۷۵	نجات سرباز رایان (۱۹۹۸)
۳۷۶	تفسیر متن
۳۷۷	هدایت بازیگران
۳۸۰	هدایت دوربین
۳۸۱	

فصل نوزدهم

۳۸۷	مارگارت فون تروتا: تقاطع زندگی تاریخی و زندگی شخصی
۳۸۷	معرفی
۳۸۸	شرافت از دست‌رفته‌ی کاترینا بلوم (۱۹۷۵)
۳۹۳	دومین رستاخیز کریستا کلاگز (۱۹۷۷)
۳۹۴	ماریان و جولیان (۱۹۸۱)
۳۹۵	روزنستراس (۲۰۰۴)
۳۹۷	

بیش از عامه‌پسندترین یا نخبه‌پسندترین شکل‌های هنری، کاری گروهی است. تهیه‌کنندگان، فیلم‌برداران، طراحان صحنه، صدابرداران، تدوین‌گران، آهنگ‌سازان، فیلمنامه‌نویسان، و بازیگران همگی تلاش می‌کنند تا به فیلم نهایی قدرتی جادویی بدهند. بسیاری کارگردان را به یک رهبر ارکستر یا مربی ورزشی تشبیه کرده‌اند. این قبیل شباهت‌ها، در یک سطح، خوب هستند. کارگردان باید گروهی متنوع از افراد مستعد را به سمت یک تیم برنده و یکپارچه و یک‌صدا هدایت کند و بایستی که همیشه مجموع کل بیش از مجموع اجزا باشد. این چالش کارگردانی است، و این جایی است که کارگردانان خود را به‌عنوان کارگردانی خوب یا کارگردانی بزرگ در مقابل کارگردانان فنی یا کمتر توانا برجسته می‌کنند. هرچند، برای رسیدن به این هدف، کارگردان باید سیاستمدار، فنی، داستان‌سرا، و هنرمند باشد.

این کتاب روی کارگردان متمرکز شده است. و این بدین معنی نیست که تهیه‌کنندگان، نویسندگان، یا بازیگران از اهمیت کمتری برخوردارند. درحقیقت، تمامی آن‌ها در جهت موفقیت یک فیلم بسیار مهم هستند، و نقش‌هایشان به روشنی قابل درک است. هدف این کتاب این است که نقش کارگردان نیز روشن و شفاف شود.

کارگردان چه می‌کند؟

کارگردان مسئول ترجمه متن (کلمات) به تصاویری (نماها) است که به یک تدوین‌گر سپرده خواهد شد تا برای تبدیل به فیلم نهایی کنار هم گذاشته شوند. با این وجود، ممکن است شروع و پایان فیلم مبهم و نامشخص باشد، در نتیجه کارگردان در مرحله نوشتن فیلمنامه یا مرحله پیش‌تولید به پروژه ملحق شده و پروژه را تا مرحله پس از تولید ترک نمی‌کند. بنابراین، ممکن است کارگردان درگیر تمامی جنبه‌های مرحله تدوین بشود، مانند صداگذاری، ساخت موسیقی، ضبط آن و ترکیب آن با صدای کلی، تا این‌که فیلم کامل شود. به بیان دیگر، کارگردان مسئول نظارت و راهنمایی خلاقانه‌ی فیلم از زمان ایده تا تکمیل آن است. کارگردان با تهیه‌کننده که مسئول سازماندهی و نظارت مالی فیلم از زمان ایده تا انتهای فیلم

کتاب‌های بسیاری در مورد راز و رمز کارگردانی فیلم نوشته شده است، تاحدی که حرفه و هنر کارگردانی در طوفانی از تملقات غرق شده است. تملق‌گویی‌ها قابل درک است. فیلم - چه به صورت سلولوئید یا به صورت دیجیتال - شکلی از هنر قرن بیستم است، و کارگردان اعتبار زیادی از موفقیت فیلم کسب می‌کند. و به شکل متناقضی کششی درونی داشته که از مرموز بودنش سوء استفاده کند؛ بنابراین، معنی کارگردانی کمتر از دیگر نقش‌های کلیدی تولید درک می‌شود. در نتیجه یکی از اهداف این کتاب پروراندن درک این نکته است که کارگردان چه کاری انجام می‌دهد و با این کار به خواننده کمک می‌کند که کارگردان بهتری شود. مسیر کارگردانی بهتر در جست‌وجو و کاویدن برای کشف ابزارهایی است که در اختیار کارگردان است و درک این‌که چگونه این ابزارها می‌توانند به کار گرفته شوند تا از یک کارگردان فنی کارگردانی بهتر و از یک کارگردان خوب کارگردانی عالی بسازد. هدف‌گذاری تبیین‌شده‌ی من، این اجازه را می‌دهد تا کمی به عقب برگشته و هدف کتاب را با توجه به متن مورد بررسی قرار دهم. نخست این‌که، این کتاب نقش کارگردانی را در تولید یک فیلم مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. فیلم‌سازی

است، همکاری بسیار نزدیکی دارد.

در مرحله پیش تولید، ممکن است کارگردان نقشی فرعی در کنار نویسنده داشته باشد یا شریک وی در نوشتن باشد. ماهیت دقیق این نقش به پیشینه، نفوذ، و علاقه‌ی کارگردان بستگی دارد. هنگامی که کارگردان آشکارا مسئول کار است، در مرحله‌ی پیش تولید بی‌ثباتی وجود نخواهد داشت. تفسیر فیلمنامه، قالب‌گیری، تجزیه‌ی متن به نماهای معین، و تنظیم بازی بازیگران تعدادی از وظایف خاص کارگردان در مرحله‌ی تولید است. در مرحله‌ی پس از تولید، علاقه یا تأثیر کارگردان نقش او را پررنگ‌تر و یا کم‌رنگ‌تر خواهد کرد. به‌طور کلی، در این مرحله نیز کارگردانان کمابیش درگیر هستند ولو این که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها به عهده‌ی تدوین‌گران (صدا و تصویر) باشد.

هرچند آنچه که باید مورد تأکید قرار گیرد این است که نویسندگان، کارگردانان و تدوین‌گران یک هدف را دنبال می‌کنند - بیان داستان به مؤثرترین شکل ممکن - اما نوع همکاری‌شان متفاوت است. برای روایت داستان، نویسندگان از کلمات، کارگردانان از نماهای دوربین و بازی‌ها، و تدوین‌گران از تصاویر و صدا استفاده می‌کنند.

کارگردان کیست؟

کارگردانان، مانند هر حرفه‌ی دیگری، در قالب‌ها و موقعیت‌های متفاوتی می‌آیند. خواه مرد باشند یا زن، شرقی باشند یا غربی، اسپانیایی، یا امریکایی، منحصر به فردی آن‌ها حاصل ترکیب عقاید، تجربیات، علایق و شخصیت آن‌هاست. برخی از کارگردانان بازیگوش و اهل شوخی هستند (مانند فدریکو فلینی^۱). تعدادی بسیار جدی هستند (مانند اینگمار برگمن^۲). بعضی ژانرهای خاصی را ترجیح می‌دهند (کلینت ایستوود^۳ را در نظر بگیرید). به‌نظر می‌آید برخی از آن‌ها در ژانرهای

۱. Federico Fellini
۲. Ingmar Bergman
۳. Clint Eastwood

منوعی کار می‌کنند (مانند هاوارد هاگز^۱). تعدادی اهل سیاست هستند (سرگئی آیزنشتاین^۲). برخی به سیاست بی‌علاقه هستند (مانند بلیک ادواردز^۳). بعضی از آن‌ها کم‌دی را ترجیح می‌دهند (وودی آلن^۴). برخی از آن‌ها تلاش می‌کنند تا فیلم‌های جدی و کم‌دی را به صورت متناوب بسازند (دوباره وودی آلن و هم بیلی وایلد^۵).

منظورم این است که هر کارگردان شخصیتی متمایز دارد که کارگردانی او را از دیگران متفاوت می‌کند. بخشی از لذت و مسرت فیلم‌ها به دلیل تنوع آن‌هاست که در تناقض با باور شرکت کردن در کلاس‌های بی‌شمار فیلم‌سازی است که معتقد است فقط یک راه درست فیلم‌سازی وجود دارد. احساس من این است که راه‌های درست زیادی وجود دارد که به شخصیت، عقاید و علایق هر فیلم‌ساز خاص بستگی دارد.

چگونه به این جا رسیدیم؟

کارگردانان، مانند امروز، همیشه اشخاص اصلی و محوری نبوده‌اند. از زمانی که هالیوود رو به صنعتی شدن رفت، ستارگان و تهیه‌کنندگان به مراتب از کارگردانان مهم‌تر بوده‌اند. دیوید سلزنیک^۶، مدیر یک استودیو، تهیه‌کننده مهمی شد؛ در نتیجه، او آفریننده و خالق اصلی فیلم *برباد رفته*^۷ بود. کسی چهار کارگردان و هم‌چنین نویسندگان آن را به‌خاطر ندارد. وقتی شخصی در مورد *کازابلانکا*^۸ صحبت می‌کند، در واقع در مورد بوگارت^۹ و برادران اپستاین^{۱۰} صحبت می‌کند.

۱. Howard Hawks
۲. Sergei Eisenstein
۳. Blake Edwards
۴. Woody Allen
۵. Billy Wilder
۶. David Selznick
۷. Gone with the Wind
۸. Casablanca
۹. Bogart
۱۰. Epstein